نقطه پایان بر جدایی؛ دستاورد بی‌بدیل جمهوری اسلامی در حفظ تمامیت ارضی ایران

از «گلستان» و «ترکمنچای» تا ماندگاری خاک و مرزهای ایران در دوران جمهوری اسلامی

ایران از دوران قاجار تاکنون همواره هدف جنگ‌های تحمیلی بوده است؛ جنگ‌هایی که در دوره‌های قاجار و پهلوی به جدایی بخش‌های وسیعی از خاک کشور انجامید، اما در جمهوری اسلامی با وجود تهاجم‌های گسترده حتی یک وجب از خاک ایران واگذار نشد.

از آغاز دوره قاجار تا امروز، ایران بارها آماج جنگ‌های تحمیلی بوده است؛ این گزارش مروری بر پیامدهای جنگ‌های تحمیلی در سه دوره تاریخی ایران (قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی) است؛ همچنین تفاوت نتایج آنها برای سرزمین و ملت مورد بررسی و ارائه قرار می‌گیرد.

پرسش: از دوران قاجار تاکنون، جنگ‌های تحمیلی به کشور ایران، چه پیامدهایی برای ایران داشته است؟

پاسخ اجمالی

از ابتدای دوره قاجار تاکنون ۲۲۹ سال گذشته است. این بازه زمانی به سه دوره قاجار، پهلوی و جمهوری اسلامی تقسیم می‌شود؛ قاجارها ۱۲۹ سال و پهلوی‌ها ۵۳ سال بر ایران حکومت کردند، اما در سال ۱۳۵۷ انقلاب اسلامی پیروز شد و تاکنون حاکمیت ایران براساس جمهوری اسلامی است.

در این سه دوره جنگ‌های متعددی بر ایران تحمیل شده است. شباهت جنگ‌های سه دوره در این است، در ایران در هیچ‌کدام از این جنگ‌ها، حتی یک مرتبه نیز آغازکننده جنگ نبود؛ اما تفاوت در نتیجه این جنگ‌هاست. در دو دوره قاجار و پهلوی، بخش‌های بسیاری از ایران جدا شد و حتی در بعضی از جنگ‌ها، ایران به اشغال متجاوزان درآمد و عرصه تاخت‌وتاز آنها شد؛ اما در دوره جمهوری اسلامی حتی یک وجب از خاک ایران جدا نشد.

عمده‌ترین جنگ‌ها در دوره قاجار با سه کشور روسیه، انگلستان و عثمانی بود که منجر به جداشدن بخش‌های عمده‌ای از خاک ایران و الحاق بخش‌هایی از ایران به آن کشورها شد؛ البته در برخی موارد، بخش جداشده با اعلام استقلال، تحت حمایت کشور حمله‌کننده قرار گرفت. جنگ جهانی اول نیز منجر به اشغال ایران از طرف روس و انگلستان از جنوب شد. در دوره پهلوی نیز جنگ جهانی دوم رخ داد که ایران دوباره عرصه تاخت‌وتاز روس و انگلیس شد. فاتحان این جنگ در ایران جلسه‌ای گرفتند؛ اما این جلسه که به کنفرانس تهران معروف شد، بدون اطلاع و حضور پادشاه ایران برگزار شد.

پاسخ تفصیلی

«قاجار» سلسله‌ای است که از سال ۱۱۷۵ تا ۱۳۰۴ شمسی به مدت ۱۲۹ سال بر ایران حکومت کردند. پادشاهان این سلسله عبارت‌اند از: آقامحمدشاه (۱۷۹۶ ـ ۱۷۹۷)، فتحعلی شاه (۱۷۹۷ ـ ۱۸۳۴)، محمدشاه (۱۸۳۴ ـ ۱۸۴۸)، ناصرالدین شاه (۱۸۴۸ ـ ۱۸۹۶)، مظفرالدین شاه (۱۸۹۶ ـ ۱۹۰۷)، محمدعلی شاه (۱۹۰۷ ـ ۱۹۰۹) و احمدشاه (۱۹۰۹ ـ ۱۹۲۵). آخرین آنها یعنی احمدشاه، با دخالت انگلیس و میدان‌داری رضاخان میرپنج عزل شد و سلسله پهلوی به قدرت رسید. سلسله پهلوی تا سال ۱۳۵۷ با رضاخان و فرزندش محمدرضا بر ایران سلطنت کردند. پس از آن انقلاب اسلامی رخ داد و تاکنون جمهوری اسلامی بر ایران حاکم است. در این دوران، درگیری‌های داخلی بسیاری اتفاق افتاد؛ همچنین جنگ‌های متعددی از کشورهای خارجی بر ایران تحمیل شد که ذکر همه آنها در این نوشتار نمی‌گنجد؛ اما به شرح و توضیح بزرگ‌ترین جنگ‌ها به تفکیک زمان و ترتیب وقوع در نوشتار کوتاه زیر پرداخته می‌شود.

جنگ‌های زمان قاجاریه اول: جنگ با روسیه نخستین پادشاه قاجار یعنی آقامحمدخان پس از یکپارچه کردن ایران به قصد دفع هراکلیوس (ارکلی دوم والی گرجستان) که متحد روس‌ها بود، اولین جنگ خارجی خود را آغاز کرد [۱] و توانست ارمنستان را نیز فتح کند که این جنگ به «جنگ اول قفقاز» معروف است [۲].

او همچنین توانست در جنگ دوم قفقاز، روس و متحدانش را عقب براند [۳]؛ بدین ترتیب خان قاجار نقشه روسیه در اشغال ایران را نقش بر آب کرد[۴]. این جنگ‌ها در عهد دومین پادشاه قاجار، فتحعلی شاه ادامه پیدا کرد که منجر به عهدنامه‌های «گلستان» و «ترکمنچای» شد.

الف) عهدنامه گلستان

در سال ۱۱۸۱ میلادی، خبر حمله روس‌ها به قفقاز به گوش فتحعلی شاه رسید. این خبر وقتی رسید که روس‌ها گرجستان را فتح کرده بودند و راهی ایروان و قره‌باغ بودند، گنجه را با کمک ارامنه به دست آورده بودند و عده زیادی از سکنه را نابود کردند.

فتحعلی شاه به جای تکیه بر مردم، از انگلستان کمک خواست؛ اما انگلستان برای کمک به ایران شرط گذاشت و گفت به شرطی حاضر به کمک است که ایران اداره بسیاری از بندرهای جنوبی و شمالی را به آنها واگذار کند. این درخواست که تأثیرش از اشغال شهرهای شمالی از سوی روسیه کمتر نبود، شاه را از کمک انگلستان ناامید کرد. سرانجام معاهده «گلستان» بر ایران تحمیل شد که براساس آن، پادشاه ایران تمامی ولایات قراباغ، گنجه، خانات شکی، شیروان، قبه، دربند، باکو، داغستان و گرجستان تا دریای خزر را به روسیه واگذار کرد؛ همچنین هر نقطه‌ای از ولایات طالش که در تصرف روسیه بود، متعلق به روسیه شد[۵].

ب) عهدنامه ترکمنچای

روس‌ها افزون بر آنچه در عهدنامه «گلستان» اشغال کرده بودند، باز بهانه آوردند و مالکیت سه منطقه مهم و راهبردی (مَحالّ بالغ لو/ بالقلو، گونی/ اَرْوَنَق و گوگجه دنگیز/ گوگچه تنگیز/ سوان) را مطرح کردند [۶] که پس از مذاکرات بی‌نتیجه، سرانجام منجر به جنگ شد. در این جنگ که شاه توان مقابله با روس‌ها را در خود نمی‌دید، به مذاکره پرداخت و نتیجه این مذاکرات، جداشدن ایروان، نخجوان، اردوباد، تالش و مغان از ایران و الحاق آن به روسیه بود؛ همچنین تعیین رود ارس با عنوان مرز دو کشور، پرداخت بیست کرور اشرفی (ده هزار سکه طلا) غرامت به روسیه و عذرخواهی نایب‌السلطنه یا شاه ایران از امپراتور در سن‌پترزبورگ، از جمله مفاد این قرارداد بود [۷]. البته برخی صاحب‌نظران معتقدند انگلستان در این جنگ‌ها در تضعیف ایران نقش داشت؛ زیرا ایران قوی می‌توانست خطری برای مستعمره شرقی وی یعنی هند به‌شمار آید[۸].

ج) پیمان آخال

در سال ۱۲۸۰ قمری و زمان سلطنت ناصرالدین شاه، جنگ دیگری بین ایران و روسیه به وقوع پیوست. روس‌ها در شرق دریای خزر اطراف آرال، سمرقند و تاشکند را تصرف کردند و سپس بخارا را شکست دادند؛ در حالی که ایران سرگرم جنگ با انگلستان در افغانستان بود (در ادامه این نوشتار به آن اشاره خواهد شد). روسیه به این تصرفات بسنده ننمود و در سال ۱۲۹۸ قمری به مرو نیز حمله کرد و به بهانه سرکوب راهزنان ترکمن، جنگی دیگر به راه انداخت؛ زیرا ادعا می‌کرد امنیت منطقه را به خطر انداخته‌اند. سرانجام در سال ۱۲۹۹ قمری تمام پایگاه‌های ترکمنان به تصرف ارتش روسیه درآمد. ناصرالدین شاه که در برابر عمل انجام شده قرار گرفته بود و توان جنگ در دو جبهه را نداشت، سر تسلیم فرود آورد و با انعقاد پیمانی به نام «پیمان آخال» تسلط روسیه بر سراسر مرزهای از دست‌رفته شمال‌شرقی خراسان را به رسمیت شناخت[۹].

دوم: جنگ با انگلستان

در عهد فتحعلی‌شاه، پس از جنگ‌های ایران و روس، انگلیسی‌ها به هرات چشم طمع دوختند و به تحریک افغان‌ها علیه ایران پرداختند. عباس‌میرزا ولیعهد و پسر شاه ایران، برای دفع افغان به هرات لشکر کشید و توانست هرات را به محاصره درآورد و امیر هرات را وادار به تسلیم کند؛ اما با مرگ ناگهانی او، لشکرش دست از محاصره کشید و به تهران بازگشتند [۱۰]. شاه بعدی یعنی محمدشاه نیز هرچه کرد، نتوانست هرات را به دامن ایران برگرداند.

در زمان ناصرالدین‌شاه، لشکر ایران هرات را محاصره کرد؛ متعاقب این اقدام، انگلیسی‌ها مناطقی از جنوب ایران از جمله بوشهر را به تصرف خود درآوردند. در پی آن، فرخ خان امین‌الدوله که در پاریس به دنبال انجام مذاکرات با انگلیسی‌ها با وساطت دولت فرانسه بود، تحت فشار انگلیسی‌ها «معاهده پاریس» را با دولت انگلیس امضا کرد و براساس آن، افغانستان برای همیشه از ایران جدا شد [۱۱] و تحت فشار انگستان، ایران مجبور شد جدایی بخش عمده‌ای از خاکش را بپذیرد و افغانستان را به رسمیت بشناسد [۱۲].

براساس این معاهده، حتی اگر افغانستان به ایران حمله می‌کرد، لشکر قاجار تنها حق داشت حمله آنها را دفع کند، اما اجازه ورود به جغرافیای افغانستان را نداشت [۱۳].

سوم: جنگ با عثمانی

در سال ۱۲۳۷ شمسی، برخی از سرداران عثمانی مأمور جنگ با ایران شدند. عثمانی با ارتشی قدرتمند و با وضعیت برتری در برابر ارتش ایران، حمله‌ای آغاز کرد؛ اما ارتش فتحعلی شاه قاجار شکست سختی بر ارتش عثمانی وارد آورد. درنهایت در سال ۱۲۳۹ شمسی منجر به امضای قرارداد «ارزروم اول» شد. براساس این عهدنامه، تغییرات مهمی در مرزهای میان دو کشور داده نشد و سرحدات ایران و عثمانی تقریباً به همان حدود زمان نادرشاه تثبیت گردید. اما عهدنامه دوم ایران و عثمانی در شانزدهم جمادی‌الثانی ۱۲۶۳ قمری به امضا رسید که براساس ماده دوم این عهدنامه، جانب غربی ولایت زهاب به دولت عثمانی و جانب شرقی آن به ایران تعلق گرفت.

به موجب عهدنامه «ارزروم دوم» دولت ایران پذیرفت که از ادعای خود در رابطه با مناطق غربی زهاب (مندلی، نفتخانه و خانقین) دست بردارد و نیز حاکمیت عثمانی را بر سلیمانیه به رسمیت بشناسد و نسبت به آن ادعایی نداشته باشد. همچنین عثمانی تعهد کرد حق کشتیرانی ایران بر اروندرود را به رسمیت بشناسد؛ افزون بر اینکه بنا شد حدود مرزی دو کشور تعیین شود، ولی با وجود برگزاری سه نشست، توافقی به عمل نیامد.

چهارم: جنگ جهانی اول

جنگ جهانی اول (۱۳۳۲ ـ ۱۳۳۷ ق)، نخستین جنگ جهانی آغاز شد که ۲۶ کشور از جمله ایران در آن درگیر شدند.

در این جنگ اگرچه احمدشاه اعلام بی‌طرفی کرد [۱۴]، اما از شمال و جنوب مورد حمله قرار گرفت و براساس قراردادی در سال ۱۳۲۵ قمری در سن‌پترزبورگ میان روس و انگلیس، ایران به دو منطقه نفوذ و یک منطقه بی‌طرف تقسیم شده بود [۱۵]؛ ولی حتی منطقه بی‌طرف هم براساس قرارداد ۱۹۱۵ و طی جنگ از بین رفت و ایران به دو منطقه تحت نفوذ تقسیم شد. ایران پس از این جنگ به ویرانه ای تبدیل شد که قحطی مردم را به علف‌خواری واداشته بود [۱۶]. براساس برخی روایت‌ها، در این جنگ «حدود هشت تا ده میلیون نفر، یعنی ۴۰ تا ۵۰ درصد کل جمعیت ایران، بر اثر گرسنگی و مرض‌های ناشی از آن و سوءتغذیه از میان رفتند» [۱۷].

دوره پهلوی: جنگ جهانی دوم

جنگ جهانی دوم در زمان رضاشاه اتفاق افتاد. ایران همانند جنگ جهانی اول در این جنگ نیز اعلام بی‌طرفی کرد [۱۸]؛ اما از آنجا که رضا شاه به آلمان گرایش داشت و این امر برای انگلیسی‌هایی که او را بر سر کار آورده بودند، بسیار گران بود، دوباره روس‌ها از شمال و انگلیسی‌ها از جنوب به اشغال ایران روی آوردند و درنهایت، انگلیسی‌ها رضاشاه را از پادشاهی عزل و فرزندش محمدرضا را به سلطنت رساندند[۱۹]. در سال ۱۳۲۲ شمسی، استالین- نخست‌وزیر شوروی- روزولت- رئیس‌جمهور آمریکا- و چرچیل- نخست‌وزیر انگلستان- وارد تهران شدند و کنفرانس سران این سه کشور را در ایران تشکیل دادند [۲۰] که به «کنفرانس تهران» معروف شد. این کنفرانس بدون هماهنگی ایران برگزار شد و پس از اطلاع، شاه ایران تنها اجازه یافت چند دقیقه با آنها صحبت کند.

جمهوری اسلامی: دوران جمهوری اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی نقطه پایانی بود بر زیاده‌خواهی‌های قدرتمندان شرق و غرب؛ از این‌رو آنها که دیگر نمی‌توانستند مانند گذشته، زمین ایران را تصاحب کنند و نیز ذخایر طبیعی از جمله نفت ایران را به غارت ببرند، درصدد توطئه برآمدند. یکی از توطئه‌ها، تحریک صدام برای حمله به ایران بود. در ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ شمسی صدام به ایران حمله کرد[۲۱].

صدام‌حسین با اطلاعاتی که آمریکا و فرانسه و عوامل ستون‌پنجم در اختیارش گذاشته بودند، از این نقاط ضعف به خوبی آگاهی داشت؛ به همین دلیل حتی نقشه عراق بزرگ را آماده کرده بود که در آن استان خوزستان به طور کامل و بخش‌هایی از استان‌های غربی ایران، جزئی از خاک عراق به‌شمار می‌آمدند. او مطمئن شده بود نظام اسلامی توان مقابله در برابر این لشکرکشی را ندارد و به زودی ساقط خواهد شد و دنیای استکبار نیز از او حمایت خواهد کرد [۲۲]؛ به همین دلیل گفت تا سه روز دیگر تهران را فتح خواهد کرد. اما پس از هشت سال نتوانست کاری از پیش ببرد و سرانجام قطعنامه ۵۹۸ در سال ۱۳۶۶ صادر شد و جنگ به پایان رسید. این قطعنامه زیر فشار سهمگین رزمندگان اسلام بر پیکر دشمن صادر شد.

حماسه دفاع مقدس، برکات و دستاوردهای بی‌نهایتی برای ملت ایران به ارمغان آورد و جهاد و شهادت مردمان با ایمان و مخلص این سرزمین، ستون‌های نظام اسلامی را تا مدت‌ها استحکام بخشید.

تاریخ از هشت سال جنگ برای ایران، شرف و آزادگی و مقاومت و ایمان به خدا را در صفحات خود ثبت کرد؛ اما از متجاوز و متحدان او که طی هشت سال او را یاری و تشویق کردند، جز به زشتی یاد نخواهد کرد.

جنگ تحمیلی دوازده روزه اسرائیل با ایران در بامداد ۲۳ خرداد ۱۴۰۴، رژیم صهیونیستی با حمایت لجستیکی آمریکا و برخی کشورهای اروپایی با هدف ضربه‌زدن به زیرساخت‌های جمهوری اسلامی ایران و در نهایت سرنگونی حکومت ایران، جنگی را آغاز کردند. در ساعات اولیه این جنگ، یهودیان صهیونیست به واسطه عبور از سامانه‌های پدافندی ایران، توانستند جمعی از سرداران سپاه، دانشمندان هسته‌ای و مردم بی‌گناه را به شهادت برسانند؛ اما در ادامه با فرماندهی دقیق مقام معظم رهبری و با رشادت نیروهای مسلح ایران، صحنه جنگ تغییر کرد و ضربه‌های سختی بر این رژیم وارد شد. با وجود ورود مستقیم آمریکا در حمایت از این رژیم، درنهایت آنان بعد از دوازده روز خواستار آتش‌بس شدند.

در طول این دوازده روز، عمال رژیم صهیونیستی و منافقان در داخل کشور کوشیدند با اقدامات تروریستی خود، فضای ناامنی و ترس را ایجاد کنند و با اینکه اقدامات آنان سبب شهادت برخی نیروهای نظامی و مردم بی‌گناه گردید، در نهایت اقدامات پلیدانه آنان راه به جایی نبرد و بخش درخور توجهی از آنان در زمان جنگ دستگیر شدند؛ همچنین بعد از جنگ، نیروهای اطلاعاتی و امنیتی با پیگیری‌های متعدد توانستند ضربه‌های سنگینی بر آنان وارد کنند و جمع بسیاری از این افراد را برای اجرای اشد مجازات تحویل دستگاه قضا بدهند.

نتیجه

از ابتدای قاجار تا پایان پهلوی، هر پادشاهی که بر ایران حکومت کرد، با جنگ یا بدون آن قسمتی از خاک ایران را به حراج گذاشت. اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی و برپایی نظام جمهوری اسلامی، با آنکه دو جنگ بر ایران تحمیل شد و در هر دو جنگ تمام دنیای زر و زور در مقابل ایران قرار داشتند، امامین انقلاب به کمک الهی و با مدیریتی مثال‌زدنی، نظامیان و عامه مردم را هدایت کردند؛ به‌گونه‌ای که حتی یک وجب از خاک ایران جدا نشد.

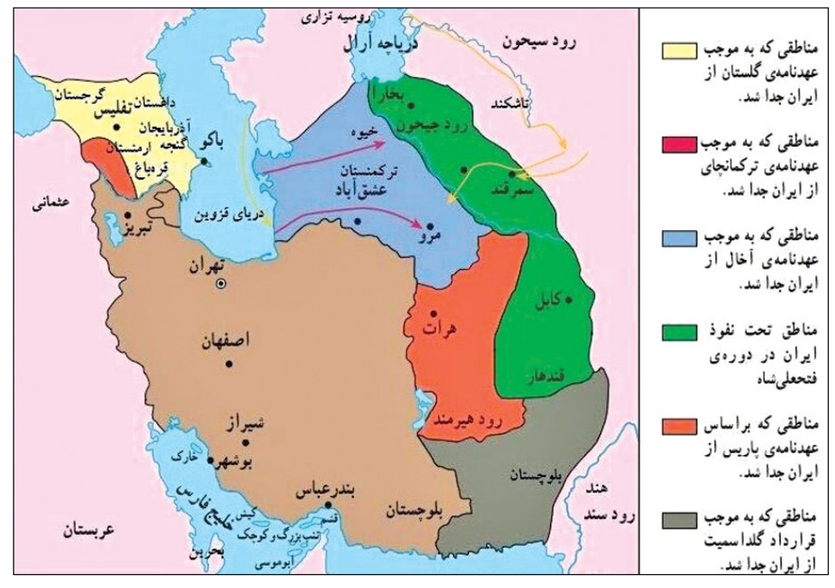

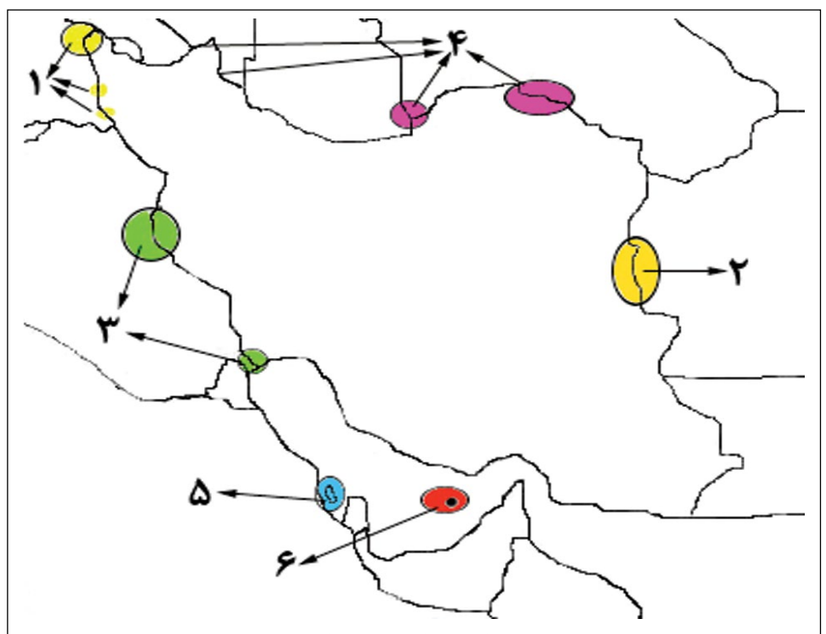

مناطق جداشده از ایران در دوران معاصر

۱- مرز ترکیه و جداشدن کوه «آرارات کوچک» و بخشی از مناطق «قطور»، «قره‌سو» و... در قبال مقداری زمین در «بارژگه» (۱۳۱۱ه.خ)

۲- مرز افغانستان و جداشدن مناطقی همچون «موسی‌آباد»، «شمتیغ» و... (۱۳۱۴ه.خ)

۳- مرز عراق و جداشدن مناطق نفتی «اراضی انتقالی» نزدیک خانقین و نیمی از «اروندرود» (۱۳۱۶ه.خ) که در زمان پهلوی دوم نیمی از اروندرود پس گرفته شده بود.

۴- مرز شوروی و جدائی «قریه فیروزه» به همراه بخشی از محیط بین رودهای «اترک» و «موسی خانی» تا «خلیج حسنقلی» و برخی زمین‌های غرب دریای خزر (۱۳۳۳ه.خ)

۵- «بحرین» خلیج‌فارس (۱۳۴۹ه.خ)

۶- نیمی از حاکمیت جزیره «ابوموسی» (۱۳۵۰ه.خ)

کلمات کلیدی: جنگ‌های تحمیلی، تاریخ قاجاریه، جنگ دوازده روزه، پیمان‌های دوره قاجاریه.

منبع: مرکز ملی پاسخگویی به سؤالات دینی

پی‌نوشت‌ها:

۱. کاظم موسوی بجنوردی؛ دایره‌المعارف بزرگ اسلامی؛ چ ۲، تهران: مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، ۱۳۶۹ ش، ج ۱، ص ۴۷۸.

۲. همان.

۳. سرپرسی سایکس؛ تاریخ ایران؛ ترجمه: محمدتقی فخرداعی گیلانی؛ تهران: وزارت فرهنگ، ۱۳۳۳ ش، ج ۲، ص ۴۶۰.

۴. احمدخان ملک ساسانی؛ سیاست‌گران دوره قاجار؛ تهران: طهوری، ۱۳۳۸ ش، ص ۲۷۴.

۵. علی‌اصغر شمیم؛ ایران دوره قاجار؛ تهران: زریاب، ۱۳۷۹ ش، ص ۹۲.

۶. محمدتقی لسان‌الملک سپهر؛ ناسخ‌التواریخ: تاریخ قاجاریه؛ تهران: چاپ جمشید کیانفر، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۳۵۷.

۷. جهانگیر میرزا؛ تاریخ نو: شامل حوادث دوره قاجاریه از سال ۱۲۴۰ تا ۱۲۶۷ قمری؛ تصحیح: عباس اقبال؛ تهران: کتابخانه علی‌اکبر علمی و شرکا، ۱۳۲۷ ش، ج ۱، ص ۹۶ ـ ۹۷.

۸. سعید نفیسی؛ تاریخ سیاسی- اجتماعی ایران در دوره معاصر؛ تهران: [بی نا]، ۱۳۴۴ ش، ص ۲۱۰.

۹. علی اصغر شمیم؛ ایران در دوره سلطنت قاجار؛ چ ۲، تهران: زریاب، ۱۳۸۰ ش، ص ۲۵۵.

۱۰. عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ سیاست‌خارجی ایران در دوران پهلوی؛ تهران: پیکان، ۱۳۷۷ ش، ص ۲۴۷.

۱۱. همان، ص ۷۱۳.

۱۲. محمدتقی لسان‌الملک سپهر؛ ناسخ‌التواریخ؛ تصحیح: جمشید کیانفر؛ تهران: اساطیر، ۱۳۹۰ ش، ج ۳، ص ۱۴۵.

۱۳. مرتضی دهقان‌نژاد و زینب جلالیان؛ «انگلستان و معاهده استعماری پاریس»؛ مجله تاریخ روابط خارجی، س ۱۰، ش ۳۷، ص ۹۱.

۱۴. احمدعلی سپهر؛ ایران در جنگ بزرگ: ۱۹۱۴ ـ ۱۹۱۸؛ تهران: [بی نا]، ۱۳۳۶ ش، ج ۱، ص ۸۹.

۱۵. همان، ص ۳۶۳ ـ ۳۶۴.

۱۶. ژان پیر دیگار و...؛ ایران در قرن بیستم: بررسی اوضاع سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی ایران در یک‌صد سال اخیر؛ ترجمه: عبدالرضا هوشنگ مهدوی؛ تهران: [بی نا]، ۱۳۷۷ ش، ج ۱، ص ۶۲.

۱۷. محمدقلی مجد؛ قحطی بزرگ؛ نسل‌کشی ایرانیان در جنگ جهانی اول (۱۲۹۶ ـ ۱۲۹۸ ش/ ۱۹۱۷ ـ ۱۹۱۹ م)؛ ترجمه: محمد کریمی؛ تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش‌های سیاسی، ویراست دوم، ۱۳۹۴ ش، ص ۱۶.

۱۸. صفاءالدین تبرائیان؛ ایران در اشغال متفقین؛ تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، ۱۳۷۱ ش، ج ۱، ص ۱۳.

۱۹. مهدی هروی؛ نخست‌وزیری در ۳۷ سال؛ تهران: نشر توکل، ۱۳۸۴ ش، ص ۲۲.

۲۰. همان، ص ۳۴.

۲۱. علی اکبر ولایتی و همکاران؛ «جنگ عراق با ایران»، در: دانشنامه جهان اسلام؛ زیرنظر غلامعلی حداد عادل؛ تهران: بنیاد دایره‌المعارف اسلامی، ۱۳۹۳ ش، ص ۱۱.

۲۲. مهدی مرندی و داوود سلیمانی؛ دفاع مقدس (جنگ تحمیلی) در اندیشه امام خمینی؛ تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۳ ش، ص ۱۲۲.

خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران

علیرضا معشوری *

آموزه‌های خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه بر اصولی همچون «پیشدستی»، «حمله به دشمن در قلمرو خودش»، «اجتناب از دفاع منفعلانه در خاک خود»، «جایگاه جهاد به مثابه سرچشمه عزت و امنیت» و «بازدارندگی فعال» تأکید می‌کند. این خطبه صرفاً نه یک موعظه اخلاقی، بلکه متنی استراتژیک است که به زبان دینی اما با منطق سیاسی- نظامی سخن می‌گوید. امام علی(ع) در آن هشدار می‌دهند که مردمی که در خانه خود منتظر هجوم دشمن می‌مانند، به ناچار به ذلت می‌افتند. بنابراین بنیان دکترین دفاعی باید بر این درک استوار باشد که جنگ را نمی‌توان با انفعال مدیریت کرد؛ بلکه باید تهدید را در نطفه خفه کرد و دشمن را پیش از سازماندهی حمله، در میدان خودش درگیر ساخت.

ایران در محیط امنیتی بسیار پیچیده‌ای قرار دارد که ویژگی بارز آن «چندلایه بودن تهدیدها» است. دشمن تنها با ارتش کلاسیک به مرزها نزدیک نمی‌شود، بلکه در عرصه‌های مختلف سایبری، رسانه‌ای، اقتصادی، اطلاعاتی و زیستی به دنبال فرسایش قدرت جمهوری اسلامی ایران است. بنابراین اتخاذ یک دکترین صرفاً تدافعی به معنای گرفتارشدن در زمین بازی دشمن خواهد بود. اما آنچه از خطبه ۲۷ برمی‌آید دعوت به یک راهبرد «ترکیبی هجومی- بازدارنده» است. راهبردی که با درهم آمیختن قدرت سخت و نرم، روحیه جهادی و فناوری مدرن، معادله تهدید را وارونه می‌سازد.

در بعد نظامی این دکترین دفاعی نیازمند حفظ و ارتقای توان موشکی و پهپادی است. این قابلیت‌ها امکان ضربه پیشگیرانه به پایگاه‌ها، انبارها و مراکز فرماندهی دشمن را فراهم می‌کنند. قدرت موشکی ایران نه‌تنها ابزاری برای دفاع از مرزها، بلکه بازوی راهبردی برای کشاندن نبرد به خاک دشمن است. از طرفی در کنار این قابلیت‌ها، پدافند هوائی چندلایه، سامانه‌های جنگ الکترونیک و قابلیت‌های سایبری باید به‌گونه‌ای هماهنگ شوند که هرگونه تهاجم دشمن را در همان مرحله آغازین مختل کنند. همچنین حضور فعال برون‌مرزی از طریق شبکه‌ای از نیروهای متحد و گروه‌های مقاومت، عمق استراتژیک ایران را گسترش می‌دهد و باعث می‌شود هزینه هر اقدام خصمانه برای دشمن چند برابر شود. به بیان دیگر دفاع ایران نه بر خطوط مرزی جغرافیایی، بلکه بر یک کمربند وسیع منطقه‌ای استوار می‌شود که هر نقطه از آن می‌تواند به عرصه نبرد پیشگیرانه تبدیل گردد.

تجربه جنگ ۱۲روزه نشان داد که دکترین نظامی ایران نیازمند بازنگری در حوزه بازدارندگی راهبردی است. برخی دشمنان ایران خود را پشت سپر بازدارندگی هسته‌ای پنهان کرده‌اند و همین مسئله معادله امنیتی منطقه را تغییر می‌دهد. بنابراین بخش مهمی از دکترین آینده باید به تقویت «بازدارندگی متقارن» معطوف باشد؛ بازدارندگی‌ای که صرفاً به موشک و پهپاد محدود نشود، بلکه ابعاد راهبردی قدرت را نیز دربرگیرد. برخورداری از ظرفیت بازدارندگی هسته‌ای می‌تواند بخش مکملی از راهبرد کلان جمهوری اسلامی ایران برای جلوگیری از هرگونه ماجراجویی دشمنانی باشد که خود به چنین سلاح‌هایی مجهز هستند.

بعد اقتصادی این دکترین نیز کمتر از بخش نظامی اهمیت ندارد. جنگ امروز محدود به میدان نبرد فیزیکی نیست، تحریم‌ها و فشارهای مالی نیز بخشی از استراتژی دشمن هستند. آموزه نهج‌البلاغه در مورد استقلال و بی‌نیازی از بیگانگان در حوزه اقتصادی، همان سیاست تقویت «اقتصاد مقاومتی» است. ایران باید توانایی تحمل فشارهای طولانی‌مدت را داشته باشد، زنجیره تأمین تجهیزات دفاعی را بومی‌سازی کند و امنیت غذایی و انرژی را به عنوان پشتوانه یک جنگ طولانی تضمین نماید. اقتصاد مقاوم یک عنصر بازدارنده است؛ چراکه دشمن زمانی تصمیم به جنگ می‌گیرد که برآورد کند تحریم‌ها و فشارها جامعه هدف را از درون فرسوده کرده است. اما در صورتی که اقتصاد مقاوم، تاب‌آوری اجتماعی و توان استمرار جنگ را حفظ کند، دشمن دچار تردید می‌شود.

از منظر فرهنگی- اجتماعی نیز این خطبه نشان می‌دهد که جنگ صرفاً پدیده‌ای نظامی نیست، بلکه یک میدان هویتی و معنوی نیز می‌باشد. وقتی امام علی(ع) جهاد را دری از درهای بهشت می‌خوانند، در حقیقت به عنصر انگیزشی و معنوی اشاره می‌کنند که توان مادی دشمن را خنثی می‌سازد. این اصل در دکترین دفاعی جمهوری اسلامی ایران به معنای ترویج روحیه جهادی، آموزش عمومی برای مقاومت، و تقویت هویت ملی- دینی است تا جامعه در برابر جنگ روانی و عملیات رسانه‌ای دشمن مقاوم باشد. تجربه‌های معاصر نشان داده‌اند که ارتش‌های صرفاً حرفه‌ای و بدون پشتوانه مردمی و اعتقادی، در برابر فشارهای طولانی دوام نمی‌آورند. در مقابل اما جوامعی که جنگ را به مثابه وظیفه مقدس تلقی می‌کنند قادر به مقاومت فراتر از ظرفیت مادی خود هستند.

در عرصه دیپلماسی نیز آموزه خطبه ۲۷ آن است که ایران نباید منتظر شکل‌گیری بلوک‌های ضدایرانی بماند. بلکه باید با ابتکار عمل، پیش از دشمن به میدان بیاید و ائتلاف‌های منطقه‌ای و جهانی را شکل دهد. دیپلماسی فعال بخشی از جنگ پیشگیرانه است. ایجاد وابستگی متقابل اقتصادی با همسایگان، استفاده از انرژی به عنوان ابزار چانه‌زنی و ایجاد روایت مستقل در سطح بین‌المللی همگی به معنای حمله دیپلماتیک به جای دفاع منفعلانه است. همان‌گونه که جنگ نظامی در خانه دشمن مؤثرتر است، جنگ سیاسی و رسانه‌ای نیز باید در خاک دشمن رخ دهد. یعنی ایران با دیپلماسی هوشمند و عملیات روانی، افکار عمومی درون کشورهای متخاصم را هدف بگیرد تا هزینه‌های تصمیم‌گیری برای جنگ افزایش یابد. نتیجه این دکترین دفاعی تبدیل ایران به قدرتی است که نه‌تنها قادر به دفاع از خود است، بلکه تهدید دشمن را به فرصتی برای افزایش نفوذ منطقه‌ای بدل می‌سازد. مهم‌ترین نتیجه این دکترین آن است که دشمن هرگز جرأت نمی‌کند جنگ را به داخل خاک ایران بکشاند، زیرا می‌داند اولین جرقه جنگ خانه خودش را می‌سوزاند. بازدارندگی در اینجا تنها بر قدرت تخریب تکیه ندارد، بلکه بر ترکیبی از تاب‌آوری اقتصادی، انسجام اجتماعی، برتری اطلاعاتی و توان هجومی بنا می‌شود.

خطبه ۲۷ نهج‌البلاغه دکترینی است که دفاع را نه به معنای انتظار و انفعال، بلکه به معنای «هجومی برای بازدارندگی» تعریف می‌کند. این دکترین بر این باور استوار است که عزت و امنیت در گرو اقدام پیشدستانه است، و ذلت و شکست نتیجه مواجهه منفعلانه با دشمن در خانه خویش. سیاست دفاعی ایران باید متکی بر ترکیب سه رکن اصلی باشد: قدرت سخت برای حمله پیشگیرانه، قدرت نرم برای مقاومت اجتماعی و معنوی، و قدرت هوشمند برای مدیریت صحنه دیپلماسی و جنگ ترکیبی. چنین الگویی هم با شرایط تاریخی- فرهنگی ایران همخوانی دارد، هم با واقعیات ژئوپلیتیکی امروز سازگار است و هم در افق آینده می‌تواند ضامن بقای کشور در برابر تهدیدات فزاینده جهانی باشد.

* دانش‌آموخته دکترای روابط بین‌الملل